

تحلیل پراکنش جغرافیایی زادگاه شاعران پارسی گوی در دوره‌های مختلف سبکی ادبیات فارسی

علی حنفی^۱، مسلم احمدی^{۲*}

^۱ استادیار اقلیم شناسی گروه جغرافیای دانشگاه افسری امام علی (ع)

^۲ دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی و مدرس دانشگاه افسری امام علی (ع)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲۶

چکیده

ادبیات فارسی در طول زمان، فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده و دوره‌های گوناگونی را طی کرده است و شعرای هر دوره نیز سبک‌ها و طرز فکرهای متفاوتی داشته‌اند. بدون شک شرایط جغرافیایی مناطق کشور، در شکل‌گیری سبک‌های مختلف شعر فارسی تاثیرگذار می‌باشد. شعر، تاریخ است و می‌توان با مرور دوره‌های شعری شاعران، اطلاعات مختلفی در مورد جامعه، فرهنگ و زندگی عصر یک شاعر به دست آورد. سبک، روش مشخص بیان مطلب است و این که گوینده به چه نحو خاص و مشخص، مطالب خود را ایراد کرده، دوره‌های متعددی نیز دارد. یکی از تقسیمات سبک‌های ادبی، بر اساس محدوده جغرافیایی است. شناخت پراکنش جغرافیایی مناطق شاعرخیز، در بهره‌مندی محققان و پژوهندگان، در رشد و توسعه شعر فارسی مؤثر است. بررسی مناطقی مانند خراسان، فارس، ری و... نشان می‌دهد این مناطق از دیرباز کانون اصلی خاستگاه شاعران و ادبای شعر فارسی بوده است. به منظور تحلیل پراکنش جغرافیایی شاعران فارسی زبان، ابتدا تمامی شاعران ادبیات فارسی موجود در منابع، مورد مطالعه قرار گرفت و سپس تعداد ۲۰۵ نفر از شاعران معروف و دارای شناسنامه و دیوان مشخص انتخاب و سپس توزیع جغرافیایی این شاعران از لحاظ محل تولد، در دوره‌های مختلف سبکی ادبیات فارسی مورد مطالعه قرار گرفت. علاوه بر این، به منظور تهیه نقشه پراکنش جغرافیایی و ترسیم نمودارهای مربوطه، از نرم افزارهای ArcGIS، Google Earth، Excel و SPSS بهره گرفته شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که از لحاظ محل تولد شاعران فارسی‌گوی، شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، نیشابور و بلخ در اولویت اول قرار دارند که در این شهرها بین ۱۰ تا ۱۵ شاعر در حوزه ادب فارسی متولد شده‌اند. شهرهای کاشان، مشهد، بخارا، مرو، قزوین، کرمان و دامغان در اولویت دوم قرار دارند که در این شهرها بین ۴ تا ۱۰ شاعر در حوزه ادب فارسی متولد شده‌اند. همچنین شهرهای توس، سبزوار، شوشتر، کرمانشاه، گرگان، همدان، ایبورد، ترمذ، تنکابن، رشت، ری، سمرقند،

سیستان، غزنه، گنجه هرات در اولویت سوم قرار دارند که در این شهرها بین ۲ تا ۳ شاعر در حوزه ادب فارسی متولد شده‌اند.

کلید واژه‌ها: جغرافیا، سبک ادبی، شعر، پراکنش جغرافیایی، ادبیات فارسی

مقدمه

یکی از سنن تاریخی پژوهش‌های جغرافیایی، بررسی پراکنندگی جغرافیایی پدیده‌های طبیعی و انسانی است. معنی دقیق‌تر این مفهوم عبارت است از واکاوی مکانی پدیده‌های طبیعی یا انسانی. این روش جغرافیایی برای پژوهش‌های تاریخی ادبی که به بررسی یک موضوع تاریخی در نقاط متفاوت جغرافیایی می‌پردازد، نیز کاربرد دارد. لذا در پژوهش پیش رو تلاش شده با بکارگیری این سنت جغرافیایی، یعنی واکاوی مکانی پدیده‌های طبیعی و انسانی، پراکنش جغرافیایی زادگاه شاعران پارسی‌گوی در دوره‌های مختلف سبکی ادبیات فارسی مورد مطالعه قرار گیرد. از جمله عواملی که در پیدایش سبک شعری شاعران مؤثر است، یکی محیط جغرافیایی و اجتماعی و دیگر حالات نفسانی فردی است. به گفته‌ی دکتر ذبیح الله صفا ما برای پی بردن به افکار شاعر علاوه بر بررسی شخصیت او به بررسی محیط زندگی او نیز نیاز داریم زیرا جامعه شناسی و ادبیات لازم و ملزوم یکدیگرند که با استفاده از آن‌ها در نقد ادبی به شناخت دقیق تری از شاعر و جامعه ای که در آن زندگی می‌کرده می‌رسیم (صفا، ۱۳۵۶). اگر محیط زندگی را بتوانیم به پدیده‌های طبیعی و غیر طبیعی تقسیم کنیم خواهیم دید که نقش هر یک از آن‌ها در افکار و اندیشه‌ی شاعران تأثیر بسزایی دارد. پدیده‌های طبیعی مانند آب و هوا، سرما، گرما، بارش و شرایط محیطی زمین مانند بیابان، کوهستان، دشتی، پایکوهی و ... و پدیده‌های غیر طبیعی و یا اجتماعی مانند شکل معماری، مشاغل و حرفه‌ها، زبان و گویش، آداب و رسوم، باورها، هنر و ...

برخی را بر این عقیده است که ایجاد فصول و تغییرات آب و هوایی در محیط مسکونی، اندیشه‌ی ساکنین را بر آن داشته که راه‌های مقابله با طبیعت را جستجو نموده و به فکر چاره برآیند. بر این پایه‌های فکری که شرایط زیستی مانند وجود آب، مهیا بوده است، تمدن به ظهور رسید و پدیده‌های فکری بشر متمدن دنیای قدیم در مناطق واجد شرایطی چون رودخانه‌ها متمرکز گردید و تمدن‌های درخشانی چون تمدن بین‌النهرین، ایران، چین، هند و یونان در مناطق مذکور پدیدار گشت و به دنبال آن، مذاهب بزرگی چون مذهب کنفوسیوس، بودا، هندو، زرتشتی، مسلمان، یهود و مسیحی در آن قسمت از جهان پا به عرصه ظهور نهاده، به ارشاد مردم پرداختند (صفی نژاد، ۱۳۶۸). هدف اصلی از مطالعه علم جغرافیا درک بهتر جهان است. یکی از مهم‌ترین تسهیلات در ابزار علمی جغرافی دانان جمع‌آوری، تلفیق، تحلیل و تصویرسازی داده‌ها است. در این میان سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی به عنوان سیستم‌هایی مطرح هستند که می‌توانند با تلفیق نرم‌افزار و سخت‌افزارهای رایانه‌ای، اطلاعات را آماده و هدایت نمایند. این سیستم‌ها مراحل تغذیه، ذخیره‌سازی، اصلاح، دخالت، تغییر، تجزیه و تحلیل و در نهایت نمایش داده‌های جغرافیایی را به عهده دارند (رسولی، ۱۳۷۲: ۴۲). امروزه تقریباً تمام رشته‌های علمی که به اطلاعات مرتبط با عنصر مکان و موقعیت اشیا و عوارض بر روی زمین نیاز دارند یا از آن می‌توانند بهره‌برند، مشتری بالقوه‌ای برای سامانه اطلاعات جغرافیایی

(GIS) محسوب می‌شوند (امینی، ۱۳۹۰، ص ۲). این کاربران هر کدام با توجه به حوزه تخصصی فعالیت‌ها، تعریفی خاص از GIS ارائه می‌دهند. سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) یک سامانه رایانه‌مبنا است که به عنوان یک مجموعه متشکل از سخت‌افزار، نرم‌افزار، اطلاعات جغرافیایی، نیروی انسانی و مدل‌های پردازش داده به منظور تولید، ذخیره‌سازی، نمایش، بازاریابی، پردازش، به روز رسانی و... اطلاعات جغرافیایی مربوط به عوارض و پدیده‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سبک در زبان عربی به معنی گداختن و ریختن زر و نقره است و سبیکه پاره نقره گداخته را گویند (دائرةالمعارف بستانی، ۱۴۱۰: ۴۵۶) ولی ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی «طرح خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر (Style) نهاده‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۸: ۴۸۵) این واژه در زبان‌های اروپایی از لغت ستیلوس^۲ یونانی مأخوذ است، به معنی ستون و در عرف و ادب و در اصطلاح به طرز ادایی اطلاق می‌شود که از لحاظ مشخصات و وجوه امتیازی که نسبت به هنرهای زیبای مشابه دارد مورد مطالعه قرار گیرد. (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۳) به عبارت بهتر، سبک هر کس، روشی است که برای بیان اندیشه خود برمی‌گزیند مشروط بر اینکه این روش را خود ابداع کرده باشد یا حداقل با روش دیگران متفاوت باشد. (محبوب، ۱۳۴۵: ۵۱-۴۹)

پیشینه سبک‌شناسی را باید در یونان و روم جستجو کرد. افلاطون سبک را کیفیت و امتیازی تعریف می‌کنند که گوینده‌ای به لحاظ برخورداری از الگوی مناسب و شایسته کلام از آن بهره‌مند است و گوینده‌ای دیگر به دلیل فقدان این الگوی مناسب، از آن بی‌بهره است؛ اما ارسطو سبک را خاصیت ذاتی کلام می‌داند و معتقد است هر اثری دارای سبک است حال این سبک ممکن است پست، متوسط یا عالی باشد. سبک خصوصیتی اکتسابی است اما به درجات مختلف تقسیم‌بندی می‌شود. (امین پور، ۱۳۸۴: ۱۸۴-۱۷۹) رومیان نیز سبک را به درجات والا، معتدل و عامیانه تقسیم می‌کردند. (معین، ۱۳۸۲: ج ۲: ۷۵۴) سبک‌شناسی به معنای حقیقی خود در ایران سابقه‌ای ندارد و نخستین آثار این فن به صورت بسیار ضعیف در تذکره‌ها دیده می‌شود. تذکره‌نویسان در ترجمه احوال یک شاعر یا نویسنده در مورد سبک وی تسامح می‌کردند و گفتار را با تمجید و اغراق به پایان می‌رساندند. عوفی درباره سبک شاعری چنین می‌نویسد: «شعرش چون مشاهده دوستان در صحن بوستان یا مکاشفه معشوقان پریزاده با عاشقان دلداده.» از این توصیف تقریباً هیچ نکته سبک‌شناسی دستگیر خواننده نمی‌شود. (بهار، ۱۳۶۹: مقدمه) از عهد صفویه به بعد در کتب تذکره به معنای سبک برمی‌خوریم و ظاهراً اولین جایی که لفظ سبک به کار رفته «مجمع‌الفصحا»ی رضا قلی‌خان هدایت است. در ایران هرگاه سخن از روش بیانی یک نویسنده یا شاعر بوده است. کلمات، طرز، طریقه، شیوه، نمط، سیاق، اسلوب و مانند این‌ها به کار می‌رفته است. (درگاهی، ۱۳۷۷: ۱۲)

خاقانی و صائب از شاعرانی بوده‌اند که در مورد طرز شعر خود سخن گفته‌اند، صائب امتیاز خود را آشنایی با طرز سخن می‌داند (انوشه، ۱۳۷۵: ۴۶۰)

همین بس که با طرز آشنا شده‌ام

میان اهل سخن امتیاز من صائب

¹ Geography Information System

² Stilos

بررسی سبک سخن در ایران، با سبک‌شناسی بهار آغاز شد. کتاب سه جلدی وی - سبک‌شناسی یا (سیر تطور نثر فارسی) - به بررسی آثار نثر فارسی از آغاز تمدن اسلامی تا عصر حاضر نموده است. در بررسی پراکنش جغرافیایی شاعران و اینکه تأثیر این مناطق تا چه اندازه بر شاعرخیزی یک منطقه مؤثر بوده است، چند سؤال مطرح می‌گردد:

۱. پراکندگی جغرافیایی شاعران در دوره‌های مختلف شعر فارسی چگونه است؟

۲. در کدام دوره تجمع شاعران در یک منطقه بیشتر است؟

۳. منطقه جغرافیایی چه تأثیری بر رواج شعر فارسی داشته است؟

پیشینه تحقیق

بهار با انتشار تاریخ تطور نثر فارسی که برای تدریس در دوره دکتری دانشگاه تهران تألیف کرده بود، سبک‌شناسی را به‌عنوان دانشی مستقل بنا نهاد. خطیبی کتاب فن نثر در ادب پارسی را منتشر کرد و به ویژگی‌های نثر فارسی از آغاز تا پایان قرن هفتم پرداخت. محبوب در کتاب سبک خراسانی در شعر فارسی مختصات شعر فارسی را از آغاز تا پایان قرن پنجم بررسی کرد. شجعی نیز سبک شعر پارسی در ادوار مختلف سبک خراسانی را نوشت و نصرت تجربه کار سبک شعر در عصر قاجار را منتشر کرد. شمیسا در کتاب‌های سبک‌شناسی نثر و سبک‌شناسی شعر به روشی مشابه به بررسی سبک نثر و شعر فارسی در دوره‌های مختلف پرداخته است. کتاب کلیات سبک‌شناسی شمیسا تألیفی دیگری است که سعی در معرفی رویکردهای توصیفی، بیانی، تکوینی، نقش‌گرا، ساخت‌گرا و تأثیری دارد. غلامرضایی کتاب سبک‌شناسی شعر پارسی از آغاز تا شاملو را به روش سبک‌شناسی شعر شمیسا نوشت و سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه را نیز تدوین کرد. غیائی، سبک‌شناسی ساختاری را در کتابی با نام درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری به حوزه پژوهش‌های سبک‌شناسی فارسی افزود. عبادیان در کتاب درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات نظریه‌های اروپایی را با نمونه‌هایی از ادب فارسی معرفی کرد. همچنین آقابابایی نیز در مقاله اقلیم‌های زیباخیز شعر فارسی به بررسی تأثیر مناطق جغرافیایی در زیبایی معاشیق توسط شاعران پرداخته است. با بررسی این پیشینه‌ها مشاهده گردید، تاکنون تحقیقی مستقل و جامع در خصوص پراکنش جغرافیایی شاعران ادبیات فارسی انجام نشده است. ضمن اینکه موضوع تحقیق نو و جدید است، می‌توان با استفاده از نتایج تحقیق، اطلس جغرافیایی جامع و مناسبی را برای شاعران تهیه و تدوین نمود.

پیشینه نظری

سبک‌های شعر فارسی، عنوانی است که به تقسیم‌بندی شعر کهن فارسی توسط ملک‌الشعرا بهار اشار دارد. وی که برای نخستین بار فن سبک‌شناسی را در ایران پایه، کتاب «سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی» را نگاشته است. ظاهراً بهار نخستین کسی است که واژه سبک را در شعر آورده است و شاعران پیش از او در این مورد از واژه‌هایی چون «طراز» و «طریق» و «شیوه» و امثال این‌ها استفاده می‌کردند. نام‌گذاری این تقسیم‌بندی فاقد پایه علمی معتبر

است و در آن تنها به جنبه مکانی و جغرافیایی توجه شده و بر اساس تعدد سرایندهگان سبکی خاص در منطقه‌ای خاص می‌باشد. این سبک‌ها را می‌توان به ترتیب زیر بیان کرد:

۱. سبک خراسانی

سبک خراسانی که آن را سبک ترکستانی هم می‌گویند در واقع طرز و شیوه شاعران خراسان و ماوراءالنهر است. در این شیوه که از ابتدای شعر فارسی یعنی اوایل قرن چهارم تا اواسط قرن ششم ادامه دارد، شاعران و استادان زبردستی مانند: رودکی، فرخی، عنصری، فردوسی، منوچهری، ناصر خسرو، سنایی و مسعود سعد سلمان ظهور کرده و شیوه خراسانی را به کمال رسانیده‌اند. سبک خراسانی دو مرحله دارد: یکی دوره سامانی و دیگر دوره غزنوی و سلجوقی. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۳-۲۰). در دوره سامانی، سادگی بیان و کهنگی تعبیرات و اصطلاحات و نیز غلبه کلمات فارسی بر واژه‌های عربی و توجه به توصیفات طبیعی و ساده و محسوس و عینی از ویژگی‌های شعر محسوب می‌شود. (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۲۳۵) معانی که در شعر این دوره می‌آید غالباً یا مدح است و یا هجو و هزل که هر دو ملایم است و معتدل و دور از اغراق. گذشته از آن، تغزلات عاشقانه و پند و اندرز و حکمت با شیوه‌ای شاعرانه، نه عالمانه از معانی شعر این دوره به شمار می‌رود. از قالب‌های مهم در این عصر یکی قصیده است و دیگر مثنوی. (درگاهی، ۱۳۷۷: ۵۵) در قصیده معمولاً مدح و هجو و تغزل و در مثنوی تمثیل و داستان و حماسه سروده می‌شود. قالب‌های دیگری مانند رباعی و دوبیتی گه گاه در یک دوره دیده می‌شود که بسیار اندک است و ناچیز. صنایع لفظی و معنوی در شعر این دوره اگر وجود دارد، خالی از تکلف و تصنع است و بسیار اندک. استفاده از بعضی معلومات علمی و برخی آیات و احادیث نبوی و روایات تاریخی و حماسی در شعر این دوره وجود دارد اما همه این مواد چنان در نسج کلام به کار می‌رود که صفت اصلی شعر این دوره یعنی سادگی بیان هم‌چنان برجای می‌ماند و از بین نمی‌رود. شاعرانی مانند عنصری، منوچهری، ناصر خسرو و سنایی از اصطلاحات فلسفی، نجوم، ریاضیات و بعضی مباحث علوم طبیعی و پزشکی در شعر خود استفاده می‌کند و بدین طریق نوعی صبغه عالمانه به شعر خود می‌زنند. استفاده از احادیث و آیات قرآنی و نیز اشعار عربی در میان شاعران این دوره رواج بیشتری می‌یابد.

۲. سبک عراقی

سبک عراقی با ظهور سلاجقه در خراسان و اتابکان در عراق (ایالات و ولایت مرکزی ایران) و آذربایجان به وجود می‌آید و به تدریج شعر دری که مرکز اصلی آن در خراسان و ماوراءالنهر است، به عراق و آذربایجان راه می‌یابد. از طرفی بر اثر سیاست سلجوقیان مدارس مختلف دینی تأسیس می‌شود و معارف اسلامی مانند تفسیر و منطق و حکمت و علوم بلاغی و ادبیات عربی در این مدارس تدریس می‌شود. ترویج علوم و معارف اسلامی باعث می‌شود که شاعران و ادیبان نیز خود را به زیور علوم زمانه بیارایند. ناچار در این دوره علوم مدرسه‌ای در شعر تأثیر فراوان می‌گذارد تا آنجا که فرا گرفتن علوم از لوازم شاعری می‌شود و مایه تفاخر و مباهات شاعران. رواج شعر دری

در عراق و آذربایجان و تأثیر علوم اسلامی و ادبیات عربی در آن باعث می‌شود که در شعر فارسی تحولی به وجود آید. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۱۹۲)

این تحول هر چند در شعر شاعران آذربایجان و عراق مشهودتر است اما می‌توان آن را قبل از همه در شعر انوری، ابیوردی و ظهیر فاریابی مشاهده کرد. انوری نخستین کسی است که این شیوه جدید را ارائه می‌دهد، وی از یک طرف قصاید و مدایح اغراق‌آمیز و پرصنعت را وارد شعر می‌کند و از طرف دیگر غزل‌های لطف و پرشور می‌سراید. در آذربایجان خاقانی و نظامی پرچمدار شیوه تازه می‌شوند و در عراق جمال‌الدین اصفهانی و پسرش کمال‌الدین و بعدها در دوره مغول سعدی و حافظ. (بهار، ۱۳۶۹: ۳۶۵) شاعران فارس و اصفهان هر چند شیوه جمال‌الدین اصفهانی را می‌پسندند اما قالب غزل را بر قالب‌های دیگر ترجیح می‌دهند. فارس مرکز غزل‌سرایی به سبک عراقی می‌شود. سعدی و حافظ خداوندان غزل هر یک شیوه تازه‌ای می‌آفرینند.

۳. سبک هندی

سبک هندی یا اصفهانی که مقدمات آن از دوره مغول فراهم می‌شود با ظهور دولت "صفویه" در ایران و "بابریه" در هند و نیز اثر بعضی عوامل اجتماعی و سیاسی و دینی به وجود می‌آید. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۸۷-۲۸۴) پادشاهان صفوی برای حفظ استقلال ایران و تشکیل حکومت ملی، مذهب شیعه را به عنوان یک مذهب ملی و رسمی در سراسر ایران رواج می‌دهند و برای اشاعه آن تبلیغات دامنه‌داری را آغاز می‌کنند، همین امر، روال مذهبی و سنتی گذشته را تغییر می‌دهد. توجه شدید پادشاهان صفوی به تشیع و علاقه فراوان آنان به خاندان نبوت و اهل بیت باعث می‌شود که شعر در خدمت مذهب و تبلیغ مذهبی قرار گیرد. پادشاهان صفوی به مدح و اغراقات آن چندان علاقه‌ای نشان نمی‌دهند. غالباً شعر در نظر آنان جزو مناقب و مراثی امامان و اهل بیت چیزی نیست و شاعران مدیحه‌سرا که جز اغراق و تملق چیزی ندارند، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند. برخی از شاعران به دربار بابریه می‌روند و بسیاری به شعر مذهبی خاص مرثیه روی می‌آورند. (غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۹۸) از آنجا که دربار ایران به شاعران روی خوش نشان نمی‌دهد، قصیده‌سرایی خاصه مدیحه ضعیف می‌شود و از رونق می‌افتد. همین امر باعث می‌گردد که شعر از دربار خارج شود و در میان مردم و طبقات مختلف اهل حرفه و کسب بیفتد. مدرسه‌ها که در دوره سلجوقیان رونقی گرفته بودند، به تدریج از میان می‌روند. در نتیجه علوم مختلف اسلامی، اعتبار و اهمیت خود را از دست می‌دهد. شاعران که غالباً اهل حرفه و کسب و کارند از مدرسه و علوم مدرسه فاصله می‌گیرند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۵) از این رو، از یک طرف سنت‌های درباری و از طرف دیگر علوم مدرسه‌ای در شعر فارسی فراموش می‌شود و به جای این هر دو، سنت‌های مذهبی خاصه تشیع و حکمت عامیانه وارد شعر می‌گردد. معانی و بافت کلام در شعر به تدریج تغییر می‌کند و سبک هندی یا اصفهانی متولد می‌شود. در سبک هندی البته قالب غزل بیش از قالب‌های دیگر اهمیت می‌یابد و شعرای بزرگ این مکتب مانند صائب تبریزی، نظیری نیشابوری، کلیم کاشانی، فیض دکنی، عرفی شیرازی و بیدل هندی و امثال آنان بدان توجه فراوان دارند. قالب قصیده و مثنوی نیز تا حدی رواج دارد و کسانی مانند محتشم کاشانی، طالب آملی، قدسی مشهدی به سرودن قصیده و کسانی مانند عرفی،

کلیم، زلالی خونساری به ساختن مثنوی گرایش و علاقه دارند. با این همه در این قالب‌ها جز در مرثیه چیز تازه‌ای ارائه نمی‌دهند.

۴. بازگشت ادبی

بازگشت ادبی شیوه و سبک خاصی نیست بلکه نوعی تقلید از گذشته است. این نهضت از اواخر قرن دوازدهم هجری شروع شد و در اول مرکز اولیه آن اصفهان بود. علت ظهور این نهضت نه تنها تأسیس دولت قاجاریه و تشویق و علاقه پادشاهان و شاهزادگان قاجاریه به مدیحه و شعر درباری است بلکه بنا به قول ملک‌الشعراى بهار غالب شاعران این دوره به علت ابتذالی که در شیوه هندی راه یافته بود، از آن شیوه خسته شده بودند و به احیای شعر گذشته ایران رو آوردند. (آرین پور، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۸) این نهضت ابتدا در اصفهان آغاز می‌شد و شاعرانی مانند سیدمحمد شعله اصفهانی، میر سیدعلی مشتاق، لطفعلی بیگ آذربیکدلی و سیداحمد هانف اصفهانی به مخالفت با شیوه هندی، دست به سرودن اشعاری به شیوه شاعران متقدم مانند سعدی و حافظ می‌زدند. سپس در زمان سلطنت آقامحمدخان قاجار، عبدالوهاب نشاط اصفهانی انجمن ادبی در همان شهر تشکیل می‌داد و شاعران را به سرودن اشعاری به شیوه قدما خاصه به سبک عراقی تشویق کرد. چندی بعد در زمان فتحعلی شاه "نشاط" به تهران می‌آمد و به دستور او انجمنی ادبی تشکیل می‌داد به نام "انجمن خاقان" که زیر نظر خود فتحعلی‌شاه کار می‌کرد. این انجمن در واقع در جایی برای جمع شدن شاعران درباری و تجدید حیات شعر درباری بود. هدف شاعران در این انجمن احیای شعر کهن، یعنی سبک خراسانی و عراقی بود. شاعرانی مانند صبا، نشاط، مجمر، سحاب، وصال شیرازی غالباً به شیوه گذشته شعر می‌سرودند و به مدح فتحعلی‌شاه و شاهزادگان و تقلید از انواع و قالب‌های مختلف شعر پیشینیان سرگرم شدند و به این ترتیب روند شعر فارسی در تمام قرن سیزدهم یعنی تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه با این رویه پیش می‌رود. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۰۸-۳۰۵) از معروف‌ترین شاعرانی که در قرن سیزدهم و قسمتی از قرن چهاردهم بدین شیوه شعر سروده‌اند می‌توان به فروغی بسطامی، قانئ شیرازی، سروش اصفهانی و ملک‌الشعراى بهار اشاره کرد. این شاعران هر چند گاه اشعار نسبتاً خوبی هم دارند اما بیشتر نیروی خود را صرف محکوم کردن شیوه هندی کرده و اکثراً از پیشینیان تقلید کرده‌اند.

۵- سبک مشروطه

بین سالهای ۱۲۷۵ شمسی تا کودتای رضاخان ۱۲۹۹ شمسی، در جریان مبارزه برای کسب آزادی و حکومت مردم، ادبیاتی به نام ادبیات مشروطه بوجود آمد که تأثیر و تغییر شگرفی در پی داشت و منجر به بوجود آمدن سبک مشروطه شد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۷) در این سبک ادبیات برای نخستین بار و به مفهوم واقعی مردمی شد. قالب شعری رایج این دوره، ترجیع بند، مستزاد، مسمط و چهارپاره است. لغات کهن ادبی کنار گذاشته شد. توجه به فرهنگ ایران باستان، آزادی زنان، تنفر از دیکتاتوری از دیگر مختصات این سبک است. از نظر زبانی، شاعران از زبان همه فهم و لغات همان عصر استفاده کرده و از طرفی فکر و زبان را برای بوجود آمدن سبک آزاد آماده می‌کنند. شاعران تمام وقت خود را وقف پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی کرده تا برای مردم آگاهی بخش باشند،

طوری که شاعرانی داریم که شعر آن‌ها شاید از نظر ادبی خیلی دارای ارزش ادبی نیست اما از نظر تاریخ اجتماعی دوران خود بسیار دارای اهمیت هستند، افرادی چون میرزاده عشقی، عارف قزوینی و سید اشرف الدین حسینی از جمله این شاعران هستند. از شاعران معروف این دوره می‌توان به دهخدا، بهار، ایرج میرزا، میرزاده عشقی، عارف قزوینی و ... اشاره کرد. تا زمان مشروطه ادبیات ما تقریباً یک دست بوده است. ادبیات و شعر در انحصار طیف به خصوصی از مردم و دربار بوده است. درون‌مایه اغلب اشعار تا قبل از مشروطه، مدح پادشاهان، توصیف طبیعت (بهار، زمستان) و شراب، بیان احساسات، عشق، بیان افکار عارفان و پند و اندرز و ... بوده است.

دوره سبک خراسانی، دوران شکوفای سبک عراقی، سبک هندی و دوران بازگشت، با تمام مختصات و شاعران معروفی که در دل خود جای داده‌اند؛ نهایتاً به دورانی پیوند می‌خورد که بدان عصر بیداری گفته می‌شود. این دوره با دوره‌های پیش از خودش تفاوت‌های بسیار دارد. در این دوران چهره فرهنگی ایران در آستانه مشروطیت کاملاً تغییر یافته بود. به ویژه که گروهی از تحصیل‌کرده‌ها بودند که از طریق مطبوعات و آثاری که منتشر می‌کردند به جریان نوگرایی اجتماعی و فرهنگی سرعت بیشتری می‌بخشیدند. مرحله تحولی که شعر و ادب عصر بیداری پشت سر گذاشت، در همه دوره‌های تاریخ ادبیات فارسی تا آن روز بی‌سابقه بود. این تغییر و دگرگونی فکری، زاده تغییراتی بود که در شئون اجتماعی - سیاسی ایران روی داده بود. در این دوره شعر و ادبیات، رویکردی شگرف به سوی مردم داشت و از نظر درون‌مایه نیز دیگر روزگار مدیحه‌سرایی‌های دوران غزنوی و سلجوقی و توصیفات طبیعی و عاشقانه سرایی‌ها سر آمده بود. بنابراین از شعر این دوره دیگر نه به عنوان پدیده‌ای تجملی و منحصر به گروه‌های محدود، بلکه همچون امری عمومی و متعلق به گروه‌های وسیع جامعه باید سخن گفت که به جای ارتباط مستقیم با دربار و گروه‌های بالای اجتماع، از طریق مطبوعات متعدد و با محتوای سیاسی و انقلابی مورد علاقه همگان، مخاطبان راستین خود را در گوشه و کنار شهرستان‌ها و حتی روستاهای کشور سراغ می‌گرفت.

۶. سبک نو

تا قبل از پیدایش سبک آزاد از نظر ادبی، شعر به کلامی خیال‌انگیز، موزون و قافیه‌دار گفته می‌شد. اما پس از بوجود آمدن سبک آزاد توسط نیما یوشیج، تعریف شعر به یک‌باره تغییر کرد. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۴۰-۳۳۹) این روش که منجر به تقسیم‌بندی جدیدی در ادبیات شد، سبک آزاد نام گرفت. سبک آزاد یا همان شعر نو به دو دسته شعر آزاد نیمایی و شعر سپید (مثنوی) تقسیم‌بندی می‌شود. بنیان‌گذار شعر آزاد، نیما یوشیج بود که با سرودن افسانه (۱۳۰۱)، منظومه‌ای بوجود آورد که از نظر وزن، قالب، زبان و نگاه پدیده‌ای تازه بود. با توجه به تعریف شعر در ادبیات کلاسیک باید گفت که نیما وزن را به طور کامل از بین نبرد، بلکه فقط مصرع‌ها را کوتاه و بلند کرد. شعر مثنوی، شعری است که شکل نثر دارد، بدون وزن و قافیه، اما از عناصر شعری چون تصویر، عاطفه و تناسب ذاتی برخوردار است و در خواننده ایجاد تأثیر و انفعال می‌کند. بزرگ‌ترین شاعر این شیوه شعر احمد شاملو است. (یاحق، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۶)

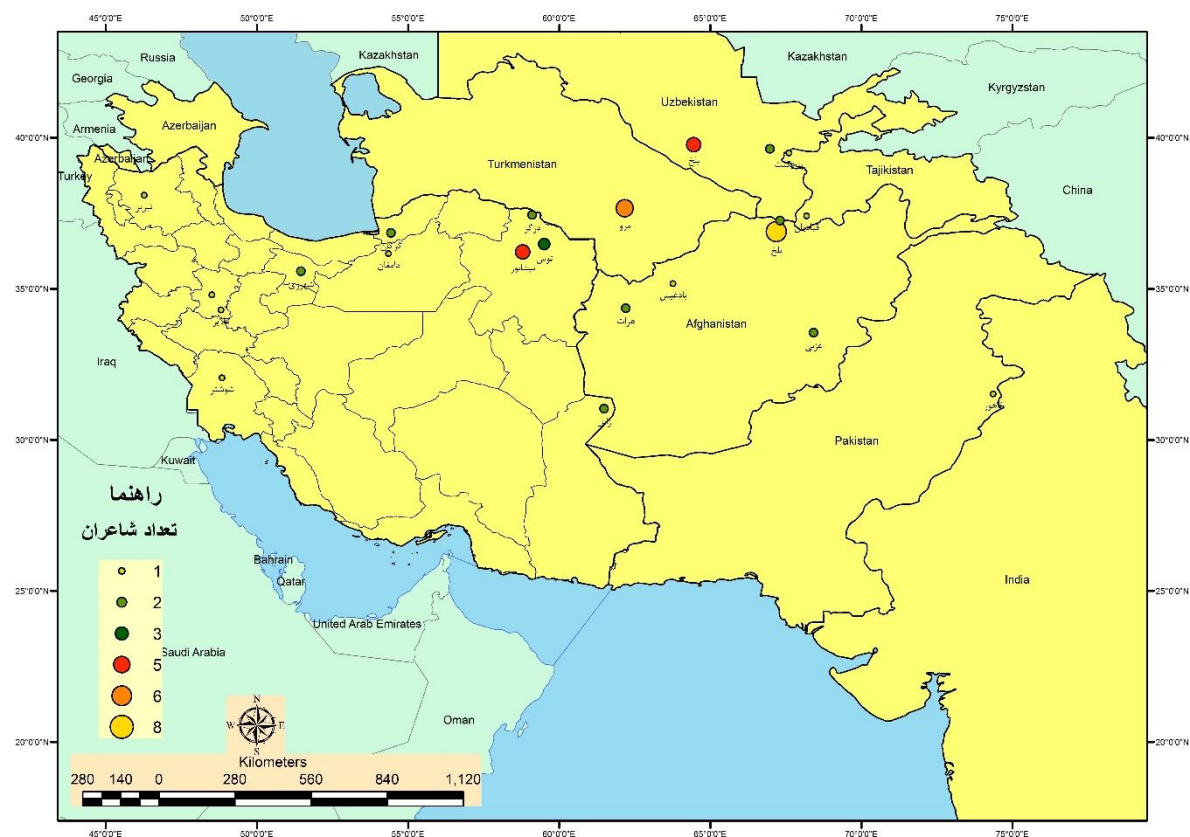
از شاعران معروف این سبک می‌توان به نیما یوشیج، احمد شاملو، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و اشاره کرد.

مواد و روش‌ها

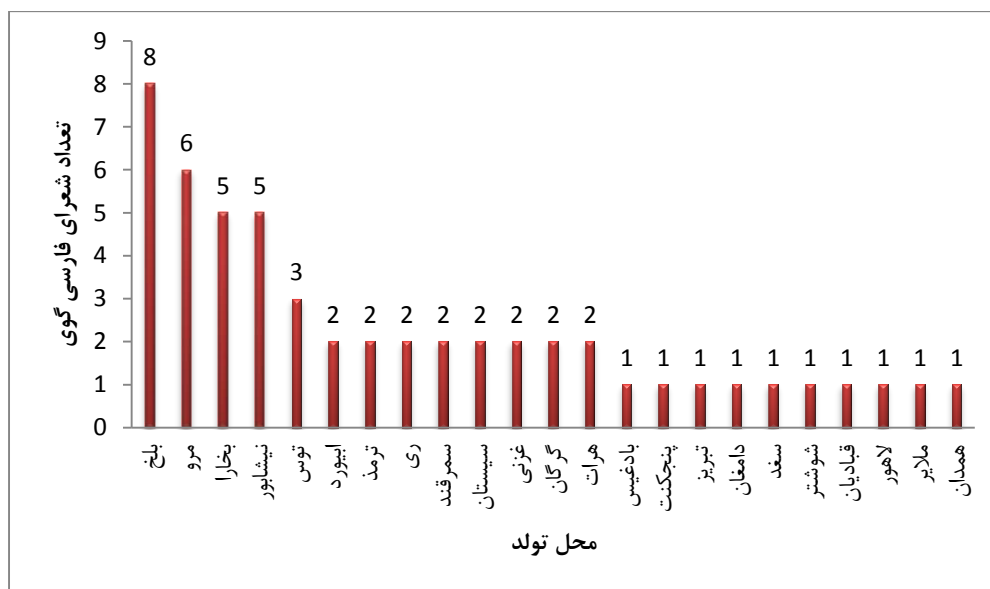
روش تحقیق در این پژوهش، روش تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی است و از نوع پژوهش‌هایی است که مقدمات و اطلاعات اولیه آن با روش تحلیلی بررسی گردیده است. در تهیه اطلاعات مورد نظر، از منابع کتابخانه‌ای فارسی و انگلیسی استفاده شده و گردآوری و جمع‌آوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری انجام گرفته است. اطلاعات به دست آمده از فیش‌ها بررسی شده و توسط نمودارها و نقشه‌های جغرافیایی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. به منظور تحلیل پراکنش جغرافیایی شاعران فارسی زبان، ابتدا تمامی شاعران ادبیات فارسی موجود در منابع، مورد مطالعه قرار گرفت و سپس تعداد ۲۰۵ نفر از شاعران معروف و دارای شناسنامه و دیوان مشخص انتخاب و سپس توزیع جغرافیایی این شاعران از لحاظ محل تولد، در دوره‌های مختلف سبکی ادبیات فارسی مورد مطالعه قرار گرفت. علاوه بر این، به منظور تهیه نقشه پراکنش جغرافیایی و ترسیم نمودارهای مربوطه، از نرم‌افزارهای ArcGIS، Google Earth، Excel و SPSS بهره گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

سبک خراسانی که آن را سبک ترکستانی هم می‌گویند در واقع طرز و شیوه شاعران خراسان و ماوراءالنهر است. در این شیوه که از ابتدای تولد شعر فارسی یعنی اوایل قرن چهارم تا اواسط قرن ششم ادامه دارد، شاعران و استادان زبردستی مانند: رودکی، فرخی، عنصری، فردوسی، منوچهری، ناصرخسرو، سنایی و مسعود سعد سلمان ظهور کرده و شیوه خراسانی را به کمال رسانیده‌اند. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۳-۲۰) از بین شاعران نامدار ادب فارسی، تعداد ۵۳ شاعر مطرح در این دوره از سبک فارسی شعر سروده‌اند. از لحاظ پراکندگی جغرافیایی، زادگاه شعرای فارسی‌زبان در این سبک، شهرهای بلخ، مرو، بخارا و نیشابور به ترتیب با ۸، ۶، ۵ و ۵ شاعر بیشترین نقش را در این دوره از ادبیات فارسی بازی کرده‌اند که به غیر از نیشابور همه این شهرها در محدوده خارج از مرزهای کنونی کشور ایران قرار دارند. علاوه بر این شهرها، شهرهایی مانند توس، ایبورد، ترمذ، ری، سمرقند، سیستان، غزنی، گرگان و هرات نیز حداقل دو شاعر نامدار در این دوره از سبک ادبی داشته‌اند. توزیع جغرافیایی و تعداد شعرای فارسی زبان در دوره سبک خراسانی در نمودار (۲) و نقشه (۱) نشان داده شده است.



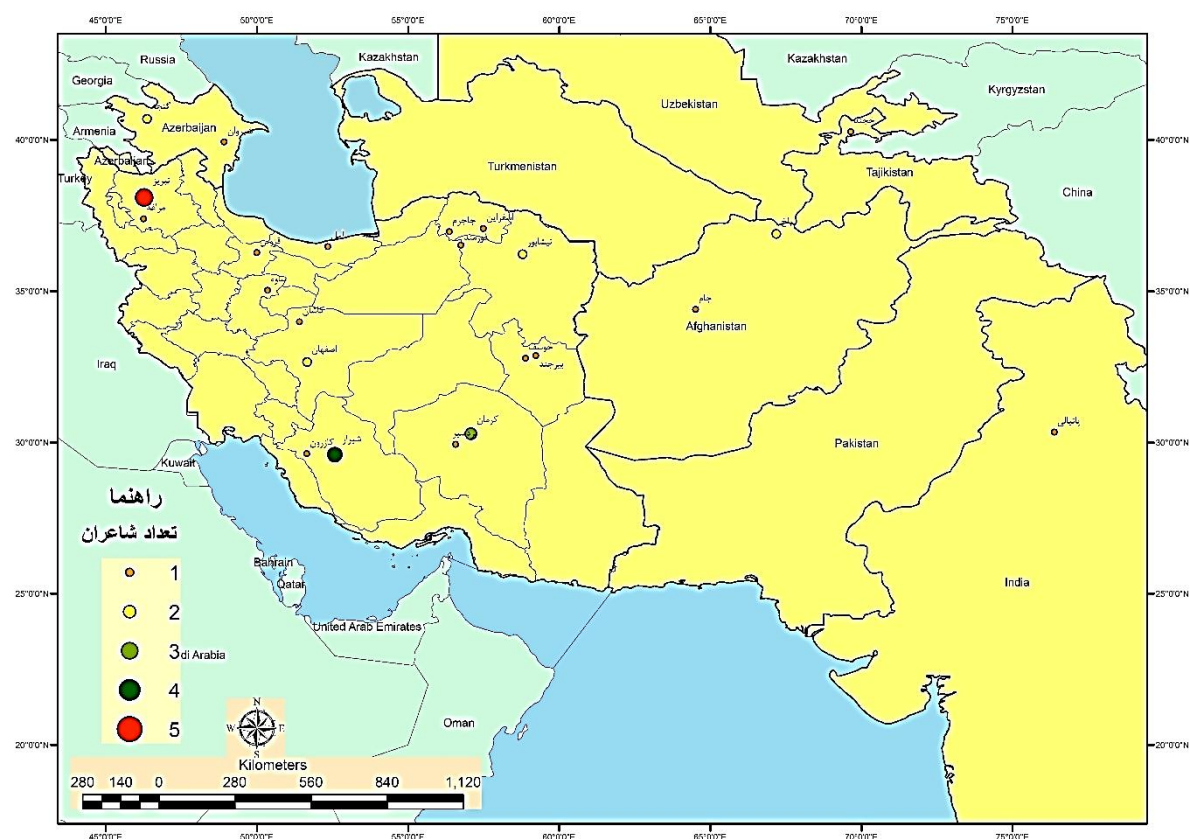
شکل (۱): پراکنندگی جغرافیایی شاعران فارسی گوی در دوره سبک خراسانی



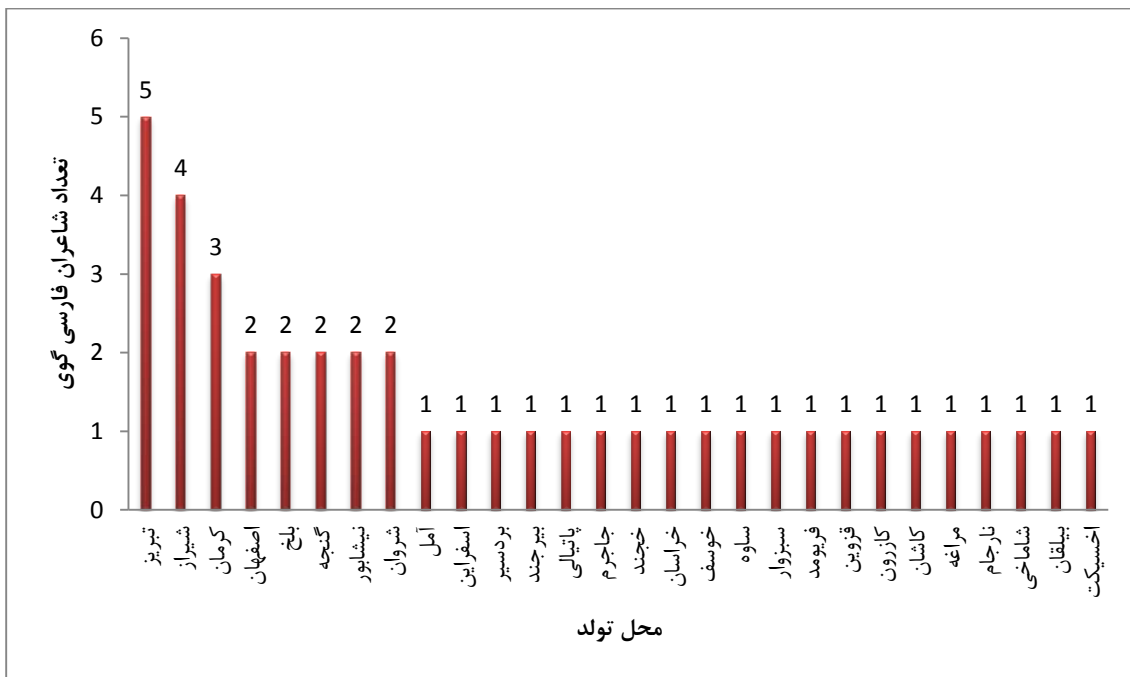
شکل (۲): نمودار تعداد شاعران فارسی گوی در دوره سبک خراسانی

سبک عراقی با ظهور سلاجقه در خراسان و اتابکان در عراق (ایالات و ولایت مرکزی ایران) و آذربایجان به وجود می‌آید و به تدریج شعر دری که مرکز اصلی آن در خراسان و ماوراءالنهر است، به عراق و آذربایجان راه

می‌یابد. از طرفی بر اثر سیاست سلجوقیان مدارس مختلف دینی تأسیس می‌شود و معارف اسلامی مانند تفسیر و منطق و حکمت و علوم بلاغی و ادبیات عربی در این مدارس تدریس می‌شود. ترویج علوم و معارف اسلامی باعث می‌شود که شاعران و ادیبان نیز خود را به زیور علوم زمانه بیاریند. ناچار در این دوره، علوم مدرسه‌ای در شعر، تأثیر فراوان می‌گذارد تا آنجا که فرا گرفتن علوم از لوازم شاعری می‌شود و مایه تفاخر و مباهات شاعران. رواج شعر در عراق و آذربایجان و تأثیر علوم اسلامی و ادبیات عربی در آن باعث می‌شود که در شعر فارسی تحولی به وجود آید. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۱۹۲) از بین شاعران نامدار ادب فارسی تعداد ۴۲ شاعر در این دوره از سبک فارسی شعر سروده‌اند. از لحاظ پراکندگی جغرافیایی زادگاه شعرای فارسی زبان در این سبک، شهرهای تبریز، شیراز و کرمان به ترتیب با ۵، ۴ و ۳ شاعر بیشترین نقش را در این دوره از ادبیات فارسی بازی کرده‌اند که برخلاف دوره سبک خراسانی همه این شهرها در محدوده داخل مرزهای کنونی کشور ایران قرار دارند. علاوه بر این شهرها، شهرهایی مانند اصفهان، بلخ، گنجه، نیشابور و شروان نیز حداقل دو شاعر نامدار در این دوره از سبک ادبی داشته‌اند. در بین این شهرها نیز شهرهای گنجه و شروان در محدوده جغرافیای جمهوری آذربایجان و شهر بلخ در محدوده جغرافیای کشور افغانستان قرار دارند. توزیع جغرافیایی و تعداد شعرای فارسی زبان در دوره سبک خراسانی در نمودار (۴) و نقشه (۳) نشان داده شده است.

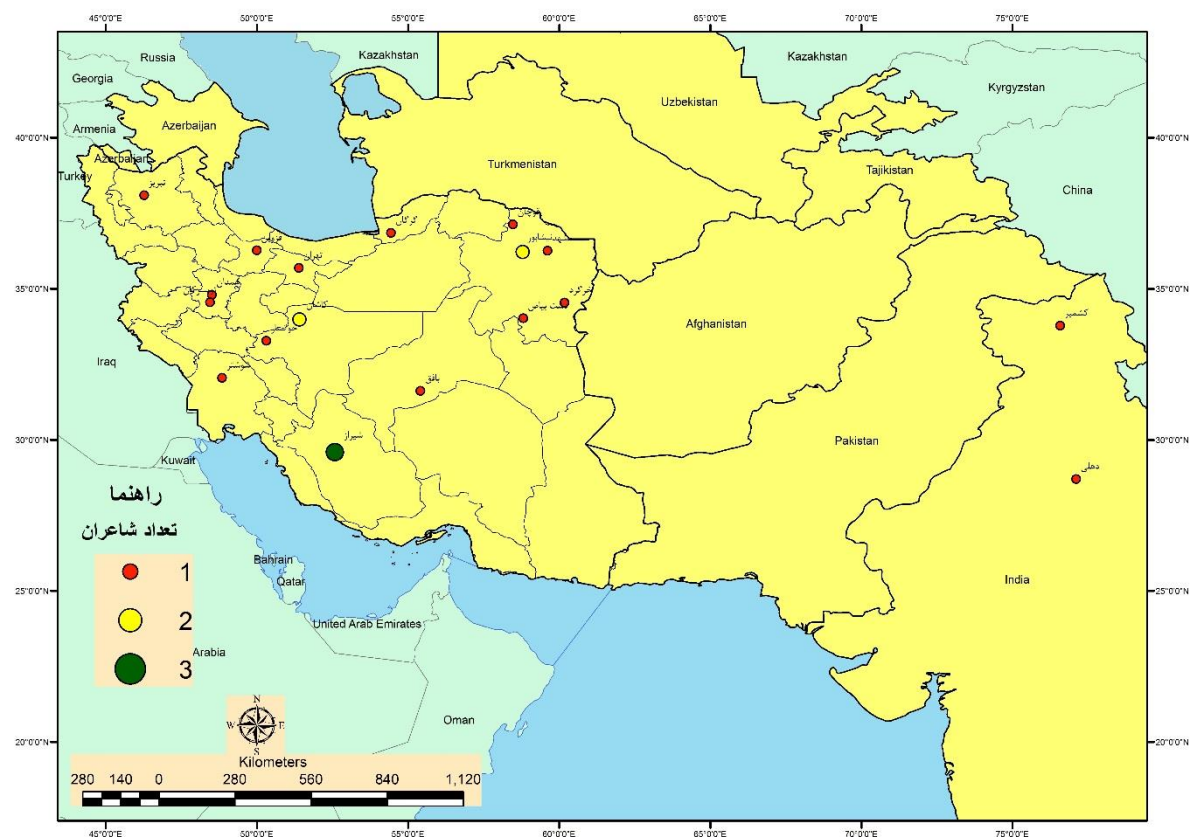


شکل (۳): پراکندگی جغرافیای شاعران فارسی گوی در دوره سبک عراقی

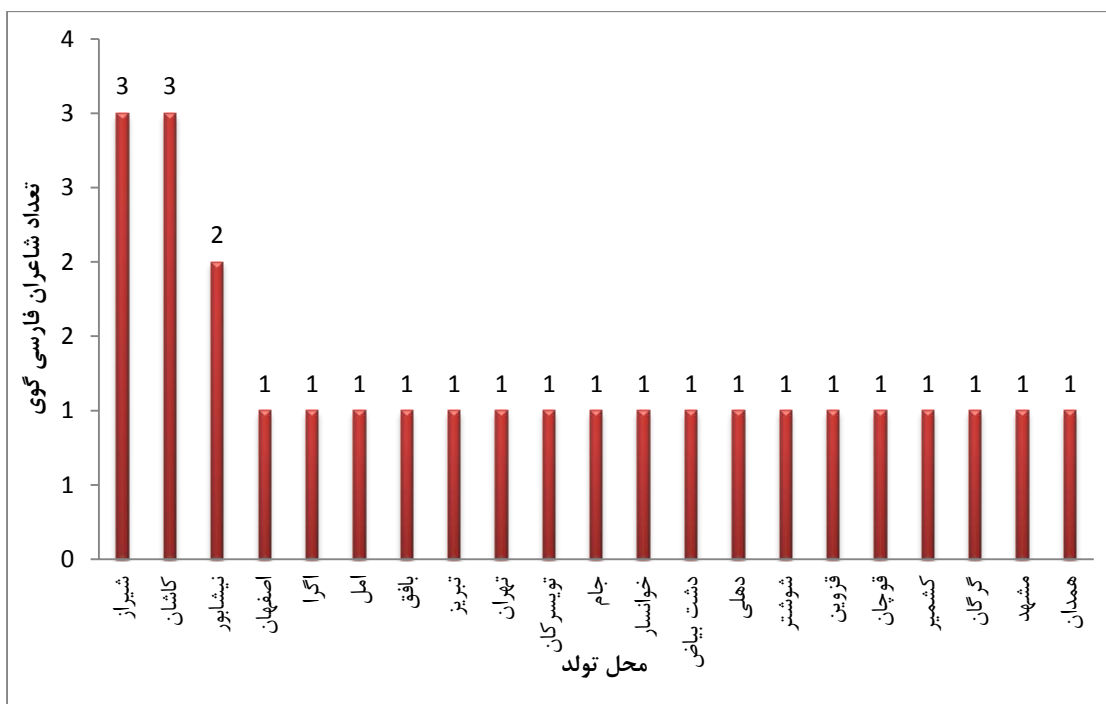


شکل (۴): نمودار تعداد شاعران فارسی‌گوی در دوره سبک عراقی

سبک هندی یا اصفهانی که مقدمات آن از دوره مغول فراهم می‌شود با ظهور دولت "صفویه" در ایران و "بابریه" در هند و نیز اثر بعضی عوامل اجتماعی و سیاسی و دینی به وجود می‌آید. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۸۷-۲۸۴) پادشاهان صفوی برای حفظ استقلال ایران و تشکیل حکومت ملی، مذهب شیعه را به عنوان یک مذهب ملی و رسمی در سراسر ایران رواج می‌دهند و برای اشاعه آن تبلیغات دامنه‌داری را آغاز می‌کنند، همین امر روال مذهبی و سنتی گذشته را تغییر می‌دهد. توجه شدید پادشاهان صفوی به تشیع و علاقه فراوان آنان به خاندان نبوت و اهل بیت باعث می‌شود که شعر در خدمت مذهب و تبلیغ مذهبی قرار گیرد. از بین شاعران نامدار ادب فارسی تعداد ۲۶ شاعر در این دوره از سبک فارسی شعر سروده‌اند. از لحاظ پراکنندگی جغرافیایی زادگاه شعرای فارسی زبان در این سبک، شهرهای شیراز، کاشان و نیشابور به ترتیب با ۳، ۲ و ۳ شاعر بیشترین نقش را در این دوره از ادبیات فارسی بازی کرده‌اند که این شهرها نیز در محدوده داخل مرزهای کنونی کشور ایران قرار دارند. علاوه بر این شهرها، شهرهایی مانند آگر، دهلی و کشمیر از شهرهایی هستند که در حال حاضر در هندوستان کنونی واقع شده‌اند. توزیع جغرافیایی و تعداد شعرای فارسی زبان در دوره سبک خراسانی در نمودار (۶) و نقشه (۵) نشان داده شده است.



شکل (۵): پراکندگی جغرافیای شاعران فارسی گوی در دوره سبک هندی



شکل (۶): نمودار تعداد شاعران فارسی گوی در دوره سبک هندی

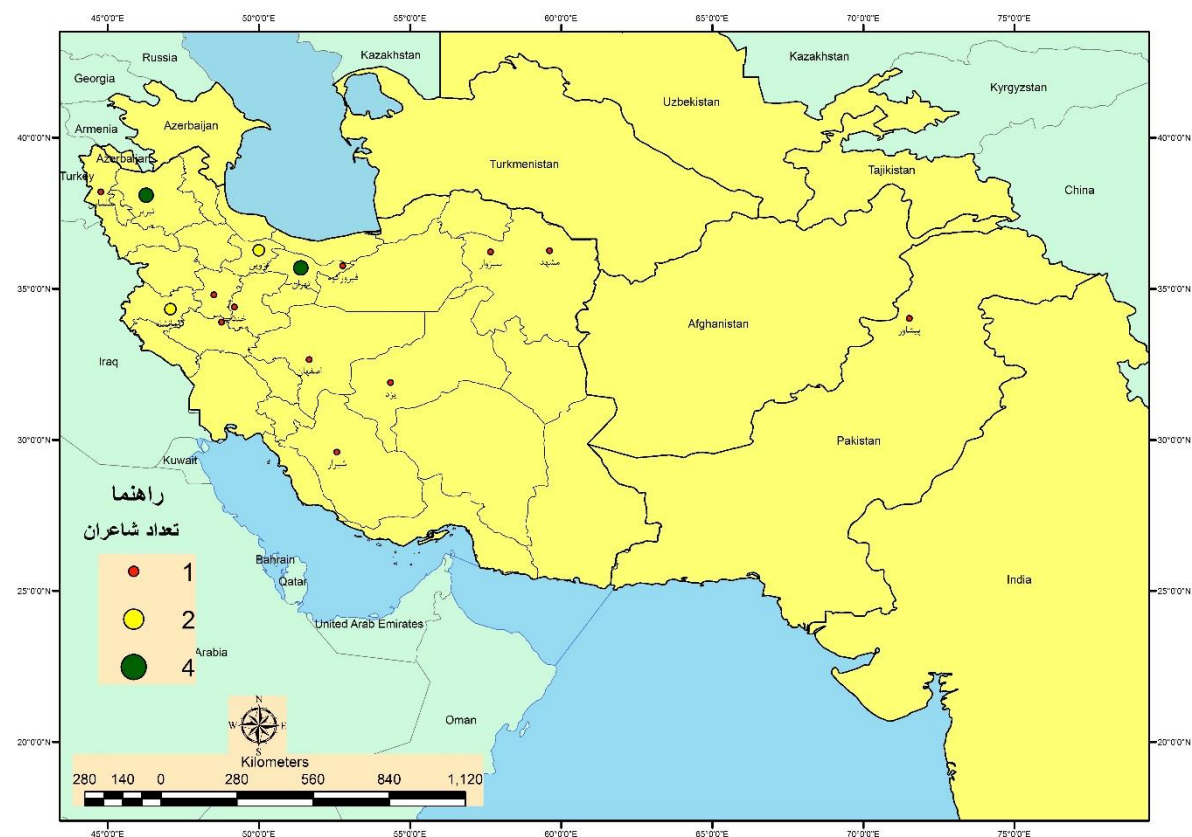
سقوط دودمان صفوی و آشوبی که مردم ایران را در عین حال بر اثر بی‌عدالتی و ضعف مرکز درمانده شده بودند، فراگرفت. ظهور نادر، حمله او به هند و سایر سرزمین‌های همسایه، سپس برافتادن خاندان نادر و برخاستن فرمانروایان زند، همگی بر موقعیت ادبیات فارسی تأثیری آشکار داشتند و تا حدودی درخشش شعر فارسی کم فروغ شد. باید دانست که درخشش شعر، محصول یک زندگی آرام و امن بوده است، زیرا شاعران مردمی فراغت‌جو و محصول دوره‌های آرامش در تاریخ یک اجتماع‌اند... با استقرار دودمان قاجار، که حکومتشان با تحکیم قدرت و به وجهی با امنیت قرین بود، و با توجهی که آنان به شعر مدحی (در حقیقت شعر تبلیغاتی) داشتند، بازار شعر اندک-اندک رونق گرفت و شاعران شیوه دوره صفوی را رها کردند^۱ و به اسلوب شاعران قرن‌های پنجم و ششم ه.ق (در قصیده) و هفتم و هشتم ه.ق (در غزل) بازگشتند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۵۵) از بین شاعران نامدار ادب فارسی تعداد ۱۷ شاعر در این دوره از سبک فارسی شعر سروده‌اند. از لحاظ پراکنندگی جغرافیایی زادگاه شعرای فارسی زبان در این سبک، شهرهای اصفهان و شیراز به ترتیب با ۵ و ۳ شاعر بیشترین نقش را در این دوره از ادبیات فارسی بازی کرده‌اند که این شهرها نیز در محدوده داخل مرزهای کنونی کشور ایران قرار دارند. علاوه بر این شهرها، شهرهایی مانند بیدگلی، تهران، خندق، شاماخی، قزوین، کاشان، مشهد، نیاسر و نیشابور نیز حداقل یک شاعر نامدار در این دوره از سبک ادبی داشته‌اند. توزیع جغرافیایی و تعداد شعرای فارسی زبان در دوره بازگشت ادبی در نمودار (۷) نشان داده شده است.



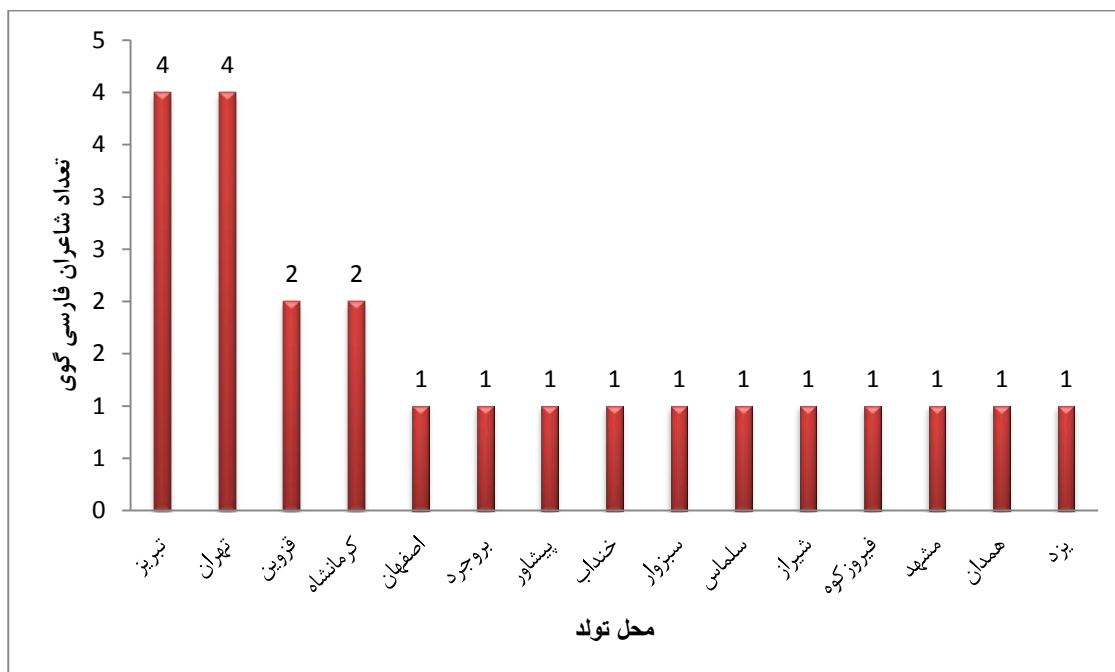
شکل (۷): نمودار تعداد شاعران فارسی‌گوی در دوره سبک بازگشت ادبی

^۱ ادوارد براون علت بازگشت ادبی را از سویی عدم توجه ممدوحین به شعرای قصیده سرا و از سویی رابطه‌ی جدی شاعر با مردم و یا به تعبیری وقف شعر برای مردم از سوی شعرا می‌داند. (رک: تاریخ ادبیات ایران، ترجمه رشید یاسمی ص ۱۹۵)

ما بین سال‌های ۱۲۷۵ شمسی تا کودتای رضاخان ۱۲۹۹ شمسی، در جریان مبارزه برای کسب آزادی و حکومت مردم، ادبیاتی به نام ادبیات مشروطه بوجود آمد که تأثیر و تغییر شگرفی در پی داشت و منجر به بوجود آمدن سبک مشروطه شد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۲۷) لغات کهن ادبی کنار گذاشته شد. توجه به فرهنگ ایران باستان، آزادی زنان، تنفر از دیکتاتوری از دیگر مختصات این سبک است. از نظر زبانی، شاعران از زبان همه فهم و لغات همان عصر استفاده کرده و از طرفی فکر و زبان را برای بوجود آمدن سبک آزاد آماده می‌کنند. شاعران تمام وقت خود را وقف پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی کرده تا برای مردم آگاهی بخش باشند، طوری که شاعرانی داریم که شعر آن‌ها شاید از نظر ادبی خیلی دارای ارزش ادبی نیست اما از نظر تاریخ اجتماعی دوران خود بسیار دارای اهمیت هستند. افرادی چون میرزاده عشقی، عارف قزوینی و سیداشرف‌الدین حسینی از جمله این شاعران هستند. از شاعران معروف این دوره می‌توان به دهخدا، بهار، ایرج میرزا، میرزاده عشقی، عارف قزوینی و ... اشاره کرد. از بین شاعران نامدار ادب فارسی تعداد ۲۳ شاعر در این دوره از سبک فارسی شعر سروده‌اند. از لحاظ پراکندگی جغرافیایی زادگاه شعرای فارسی زبان در این سبک، شهرهای تبریز و تهران با چهار شاعر در اولویت اول و شهرهای قزوین و کرمانشاه با دو شاعر در اولویت دوم بیشترین نقش را در این دوره از ادبیات فارسی بازی کرده‌اند. علاوه بر این شهرها، شهرهایی مانند اصفهان، بروجرد، پیشاور، خنداب، سبزوار، سلماس، شیراز، فیروزکوه، مشهد، همدان و یزد نیز حداقل یک شاعر نامدار در این دوره از سبک ادبی داشته‌اند. توزیع جغرافیایی و تعداد شعرای فارسی زبان در دوره سبک مشروطه در نمودار (۹) و نقشه (۸) نشان داده شده است.

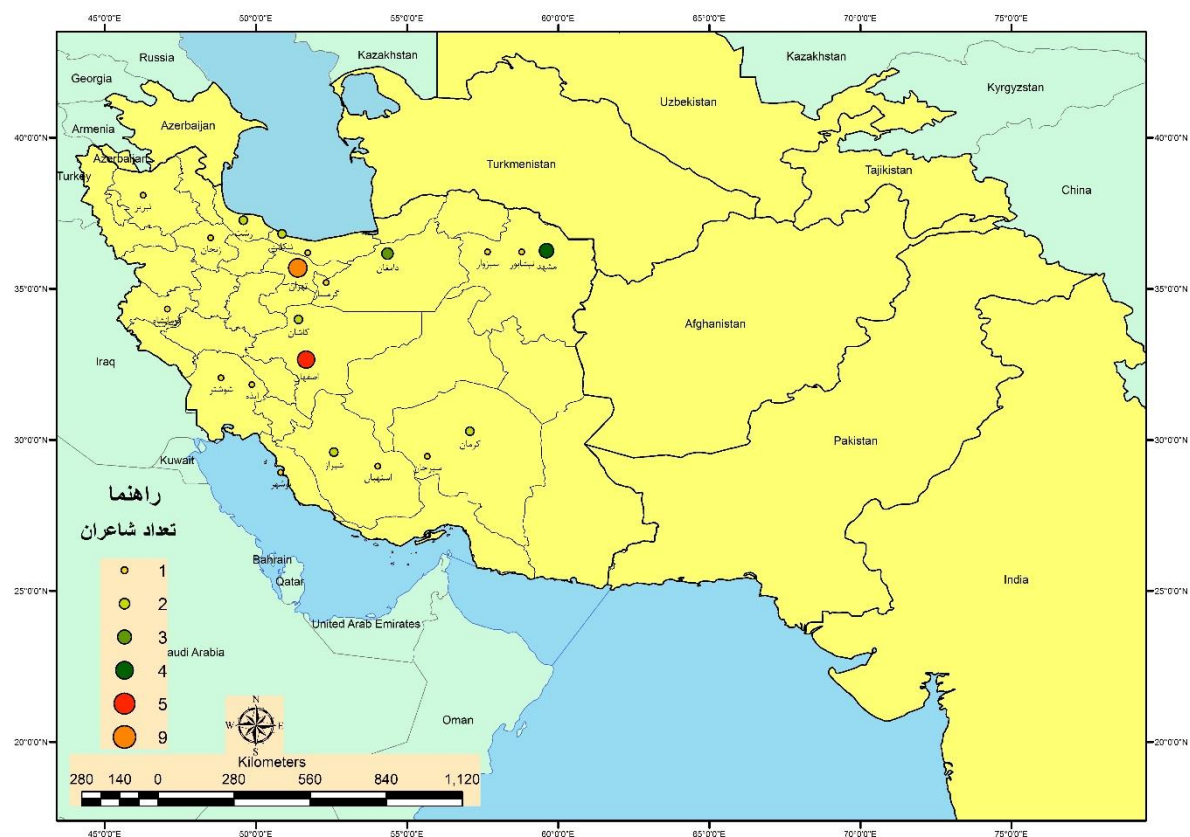


شکل (۸): پراکندگی جغرافیای شاعران فارسی گوی در دوره سبک مشروطه

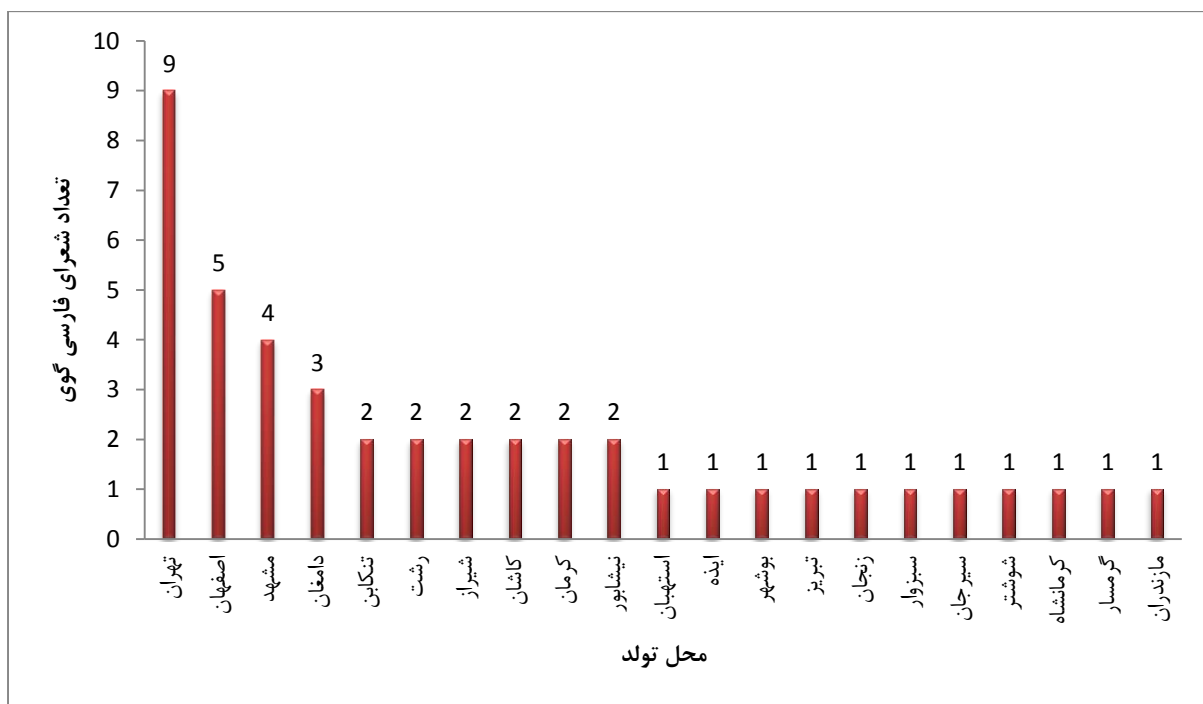


شکل (۹): نمودار تعداد شاعران فارسی‌گوی در دوره سبک مشروطه

تا قبل از پیدایش سبک آزاد از نظر ادبی، شعر به کلامی خیال‌انگیز، موزون و قافیه‌دار گفته می‌شد اما پس از بوجود آمدن سبک آزاد توسط نیما یوشیج، تعریف شعر به یکباره تغییر کرد. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۳۴۰-۳۳۹) این روش که منجر به تقسیم‌بندی جدیدی در ادبیات شد، سبک آزاد نام گرفت. سبک آزاد یا همان شعر نو به دو دسته شعر آزاد نیمایی و شعر سپید (مثنوی) تقسیم‌بندی می‌شود. از بین شاعران نامدار ادب فارسی تعداد ۴۴ شاعر در این دوره از سبک فارسی شعر سروده‌اند. از لحاظ پراکنندگی جغرافیایی زادگاه شعرای فارسی زبان در این سبک، شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و دامغان به ترتیب با ۹، ۵، ۴ و ۳ شاعر بیشترین نقش را در این دوره از ادبیات فارسی بازی کرده‌اند. علاوه بر این شهرها، شهرهایی مانند تنکابن، رشت، شیراز، کاشان، کرمان و نیشابور نیز حداقل دو شاعر نامدار در این دوره از سبک ادبی داشته‌اند. توزیع جغرافیایی و تعداد شعرای فارسی زبان در دوره سبک خراسانی در نمودار (۱۱) و نقشه (۱۰) نشان داده شده است.



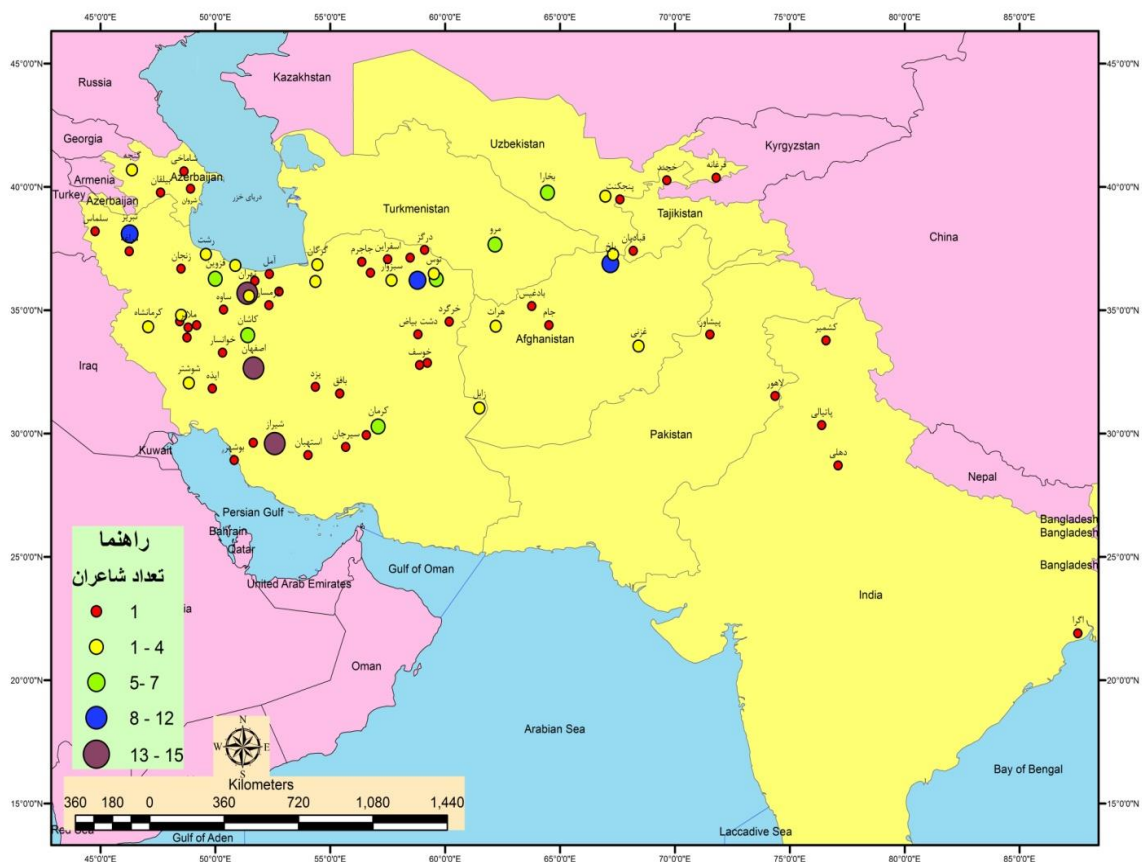
شکل (۱۰): پراکندگی جغرافیای شاعران فارسی گوی در دوره سبک نو



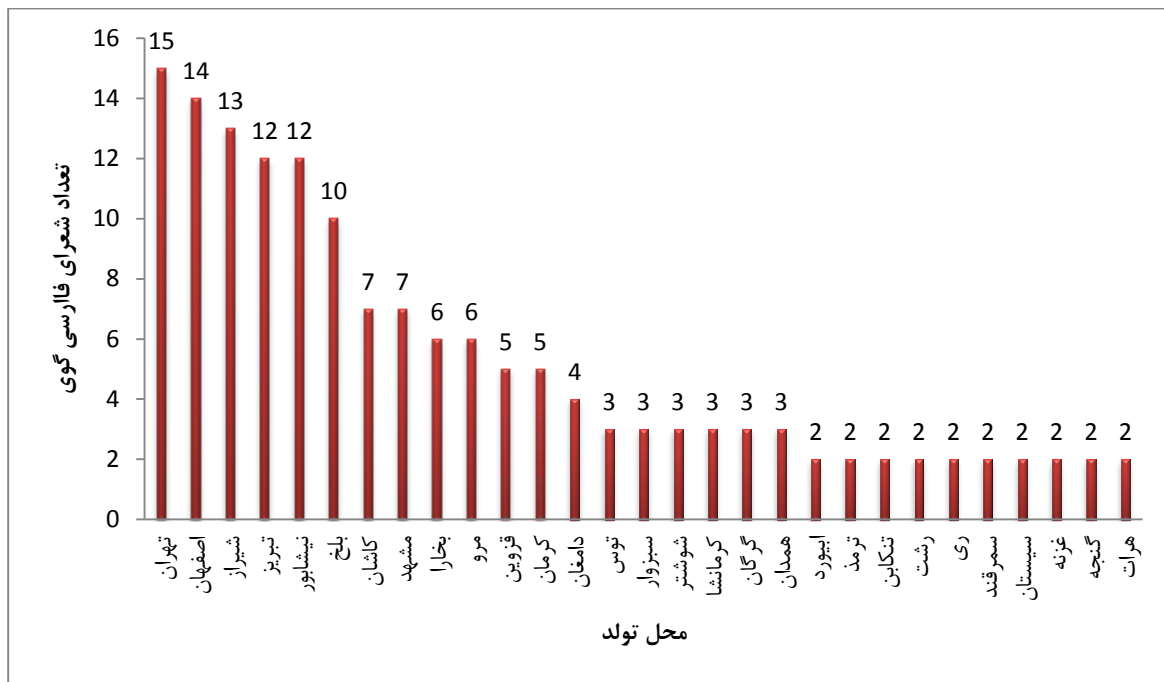
شکل (۱۱): نمودار تعداد شاعران فارسی گوی در دوره سبک نو

نتیجه گیری

در این پژوهش تعداد ۲۰۵ نفر از شاعران پارسی گوی در کل دوره‌های ادب فارسی مورد مطالعه قرار گرفت. محدوده جغرافیایی این شاعران نیز مربوط به کشورهای ایران، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، پاکستان، آذربایجان و هندوستان می‌باشد. از لحاظ محل تولد شاعران فارسی گوی نیز، شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، تبریز، نیشابور و بلخ در اولویت اول قرار دارند که در این شهرها بین ۱۰ تا ۱۵ شاعر در حوزه ادب فارسی متولد شده‌اند. شهرهای کاشان، مشهد، بخارا، مرو، قزوین، کرمان و دامغان در اولویت دوم قرار دارند که در این شهرها بین ۴ تا ۱۰ شاعر در حوزه ادب فارسی متولد شده‌اند. همچنین شهرهای توس، سبزوار، شوشتر، کرمانشاه، گرگان، همدان، ایبورد، ترمذ، تنکابن، رشت، ری، سمرقند، سیستان، غزنه، گنجه هرات در اولویت سوم قرار دارند که در این شهرها بین ۲ تا ۳ شاعر در حوزه ادب فارسی متولد شده‌اند. از بین ۲۹ شهر مهم از لحاظ ادب فارسی تعداد ۲۰ شهر در داخل مرزهای کنونی ایران، ۴ شهر بلخ، هرات، غزنی و ایبورد در کشور افغانستان، ۲ شهر سمرقند و بخارا در کشور ازبکستان، شهر ترمذ در کشور تاجیکستان، شهر مرو در ترکمنستان و شهر گنجه در جمهوری آذربایجان واقع شده‌اند. توزیع جغرافیایی و تعداد شعرای فارسی زبان در تمام دوره‌ها در نمودار (۱۳) و نقشه (۱۲) نشان داده شده است.



شکل (۱۲): پراکندگی جغرافیای شاعران فارسی گوی در تمام دوره‌ها



شکل (۱۳): نمودار تعداد شاعران فارسی گوی در تمام دوره‌ها

منابع و ماخذ

۱. آراین پور، یحیی (۱۳۷۲): از صبا تا نیما ۲ ج، تهران: زوار.
۲. امین پور، قیصر (۱۳۸۴): سنت و نوآوری در شعر معاصر، تهران: علمی و فرهنگی.
۳. انوشه، حسن (۱۳۷۵): دانشنامه ادب فارسی، تهران: دانشنامه.
۴. امینی، داود (۱۳۸۹) GIS و کاربردهای نظامی آن، انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع)، چاپ اول
۵. بستانی، بطرس (۱۴۱۰): دایره المعارف، دارالمعرفه: بیروت.
۶. بهار، محمد تقی (۱۳۵۳): بهار و ادب فارسی، به کوشش محمد گلبن، تهران: انتشارات فرانکلین.
۷. بهار، محمد تقی (۱۳۳۷): سبک شناسی و یا تاریخ تطور نثر فارسی، تهران: امیرکبیر.
۸. درگاهی، محمود (۱۳۷۷): نقد شعر در ایران، تهران: امیرکبیر.
۹. دزفولیان، کاظم و اکبر شاملو (۱۳۸۷): مقاله بازگشت ادبی و مختصات شعری آن دوره، فصلنامه تاریخ ادبیات، شماره ۵۹.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳): لغتنامه، ج ۸، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. رسولی، علی اکبر (۱۳۸۳) مروری بر سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ سوم، تهران.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۸): ادبیات فارسی از جامی تا روزگار ما، ترجمه حجت الله اصیل، تهران: نشر نی.

۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۹)؛ شاعر آینه‌ها (بررسی سبک هندی و شعر بیدل) تهران: آگاه.
۱۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)؛ با چراغ و آینه، تهران، نشر: سخن
۱۵. شکوی‌ای، ح (۱۳۸۳) اندیشه‌های نو در فلسفه ی جغرافیا، مؤسسه‌ی جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی، تهران.
۱۶. شمیسا، سیروس (۱۳۷۸)؛ کلیات سبک شناسی، تهران: فردوس.
۱۷. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)؛ سبک شناسی شعر، تهران: فردوس.
۱۸. صفاء، ذ (۱۳۵۶) تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران
۱۹. صفی‌نژاد، ج (۱۳۶۸) مبانی جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه، تهران
۲۰. قهری صارمی، حسن (۱۳۹۲) تاثیرپذیری جغرافیا از زبان و ادبیات و جایگاه ادبیات در توصیف پدیده های جغرافیایی، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۲۱.
۲۱. غلامرضایی، محمد (۱۳۷۸)؛ سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، تهران: جامی.
۲۲. غیائی، محمد (۱۳۶۸)؛ درآمدی بر سبک شناختی ساختاری، تهران: جهاد دانشگاهی.
۲۳. محجوب، محمد جعفر (۱۳۴۵)؛ تاریخ مقدمه: سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: فردوسی.
۲۴. معین، محمد (۱۳۸۲)؛ فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
۲۵. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۵)؛ جویبار لحظه‌ها، تهران: نشر دیبا.
26. Kennedy S, 1988: A geographic regression model for medical statistics. *Soc Sci Med*, 26(1):119-129.
27. Kennedy M, 2002, the global positioning system and GIS, *Second Edition* Taylor & Francis.
28. Wilkinson D, Tanser F, 1999: GIS/GPS to document increased access to community-based treatment for tuberculosis in Africa. *The Lancet* , 354:394-395.

Geographical Distribution Analysis of the Birthplace of Persian Poets in Different Periods of Persian Literature Style

Ali Hanafi¹, Muslim Ahmadi^{2*}

¹ Assistant Professor of Climatology, Department of Geography, Imam Ali University

² Doctor of Persian Language and Literature, Kharazmi University and lecturer of Imam Ali University

Abstract

Persian literature has seen many ups and downs over time and has gone through various periods, and the poets of each era have had different styles and ways of thinking. Undoubtedly the geographical conditions of the regions of the country influence the formation of different styles of Persian poetry. Poetry is history, and one can find different information about a poet's society, culture and life by reviewing the poetry courses of poets. Style is a definite way of expressing a story, and how the narrator delivers his material in a specific way has many periods. One of the divisions of literary genres is geographical. Understanding the geographical distribution of poetic regions is of great benefit to scholars and researchers in the development and development of Persian poetry. The study of areas such as Khorasan, Fars, Ray, etc. shows that these areas have long been the main focus of Persian poetry and poetry. . In order to analyze the geographical distribution of Persian poets, all the poets of Persian literature in the sources were studied and then 205 famous poets with specific birth certificates and Divan were selected and then the geographical distribution of these poets in terms of place of birth was studied. Different styles of Persian literature were studied. In addition, ArcGIS, Google Earth, Excel, and SPSS software were used to map the geographical distribution and plot the relevant charts. . The results showed that in terms of the birthplace of Persian poets, the cities of Tehran, Isfahan, Shiraz, Tabriz, Neyshabour and Balkh are among the first priority among which 10 to 15 poets were born in Persian literature. . The cities of Kashan, Mashhad, Bukhara, Merv, Qazvin, Kerman and Damghan are in the second priority, where 4 to 10 poets were born in Persian literature. Also the cities of Toos, Sabzevar, Shooshtar, Kermanshah, Gorgan, Hamedan, Abivard, Termez, Tonekabon, Rasht, Ray, Samarkand, Sistan, Ghazneh, Ganjeh Herat are in the third priority among 2 to 3 poets in Persian literature. They were born.

Keywords: Geography, Literary Style, Poetry, Geographical Distribution, Persian Literature.

* (Corresponding Author): Zmahmady@yahoo.com